

ادامه از صفحه اول

دلایل روشن برای رأی به روحانی

می‌بینم دست‌کم در حوزه انتشار کتاب از شدت نظارت سلیقه‌ای و تنگ‌نظری‌ها کاسته شده، هرچند هنوز راه درازی تا برقراری آزادی بیان در گستره‌های دیگر (دانشگاه‌ها و هنرهای تاتار، سینما، موسیقی و…) باقی مانده است. این‌همه دلایلی بسنده برای خواست تداوم کار دولت فعلی است، خاصه که رقیبان روحانی در این انتخابات با گفته‌هایشان تصویری هراس‌آور از آینده ما ترسیم می‌کنند و ما هم خاطراتی هراس‌آور از گذشته داریم. جز اینها دلیل اصلی من برای رأی‌دادن به روحانی، تدوین و انتشار منشور حقوق شهروندی از سوی دولت اوست. ممکن است که مواد این منشور در آینده نزدیک، مبنای تدوین قوانین نشوند یا ممکن است چنان‌که یک مخالف سرسخت روحانی به نگارنده گفته، با پایان کار دولت او، این منشور به دست فراموشی سپرده شود. اینها همه ممکن است، اما انتشار منشور از یک نظر رویدادی تاریخی است، زیرا نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ دولتی در ایران بر سر کار بوده که چنین درک روشن و دموکراتیکی از رابطه دولت با جامعه مدنی داشته است. به احترام این منشور و با سربلندی، جمعه آینده، بیست‌ونهم اردیبهشت ۹۶ به آقای روحانی رأی می‌دهم.

چند سؤال از محمدباقر قالیباف

در مردامده ۱۳۹۵ سازمان بازرسی کل کشور نامه‌ای خطاب به مشاور و مدیر کل دفتر شهرداری تهران صادر و از ایشان درباره واگذاری املاک نجومی که منجر به تصبیح اموال عمومی شهرداری تهران به میزان جمعا دوهزارو۳۵۰ میلیارد تومان شده است، توضیح خواسته بود.
این موضوع در یکی از سایت‌ها مطرح و پس از چند روز مدیر آن سایت بازداشت‌ای مدتی زندانی شد.
آقای قالیباف در مناظره تلویزیونی ضمن فرافکنی اعلام کردند این املاک را به رفنگران شهرداری واگذار کرده‌اند.
من به اینکه مردم فهیم تهران تا چه اندازه این ادعای ایشان را قبول یا آن را توهین به شعور عمومی تلقی می‌کنند یا خیر، کاری ندارم.
سؤال من از ایشان این است که آیا بعد از حدود ۹ ماه از تاریخ دریافت نامه، پاسخ سازمان بازرسی را داده‌اید یا خیر، اگر جواب نداده‌اید چگونه به خود اجازه می‌دید نام‌ه دستگاه رسمی بازرسی را بدون پاسخ بگذارید و اگر جواب داده‌ید، چرا تاکنون پاسخ‌تان را به اطلاع شهروندان تهرانی یا لاقال اعضای شورای شهر تهران نرسانده‌اید.
چنانچه طبق ادعای جناب‌عالی این املاک به کارکنان فرودست شهرداری واگذار شده و در این واگذاری‌ها فسادوی وجود نداشته باشد علی القاعده اطلاع مردم از پاسخ رسمی و دقیق شما منجر به ایجاد اعتماد به عملکرد شهرداری تهران خواهد شد.
صرف‌نظر از این موضوع، انبوهی از سؤالات‌ها و ابهام‌ها درباره عملکرد و ادعاهای آقای قالیباف در ذهن این‌جانب نقش بسته است که در اینجا به سه مورد از آنها می‌پردازم و در صورت لزوم موارد دیگری را در یادداشت‌های بعدی مطرح خواهم کرد.
امیدوارم آقای قالیباف برای پاسخ‌گویی و رفع ابهام اقدام کنند.
۱. ایشان در مناظره‌ها، صاحبه‌ها و سخنران‌های خود به‌جای استدلال درباره راهکارهای تحقق وعده‌هایی که همواره بر آنها تأکید دارند، از این مفهوم استفاده می‌کنند که «چون من می‌گویم، پس می‌شود».
خب شما که در سال ۹۱ اعلام کردید در سه سال ترافیک تهران را حل خواهید کرد، آیا امروز که پنج سال از آن وعده گذشته است ترافیک تهران را حل کرده‌اید؟ البته می‌توان کرد که در ایشان در سال ۹۱ برای کاندیداتوری ریاست‌جمهوری در سال ۹۲ برنامه‌ریزی می‌کردند و فکر می‌کردند سه سال بعد از آن رئیس‌جمهور خواهند بود و در نتیجه کسی سراغ وعده ایشان را نخواهد گرفت.
۲. ایشان در خیلی از موارد می‌فرمایند: «چون من می‌گویم، پس درست است». سؤال بنده این است که درباره پروژه بل صدر (که بدون مصوبه شورای شهر اجرا کردید)، گفته بودید با ۸۰۰ میلیارد تومان پروژه را تکمیل خواهم کرد؛ الا چرا با وجود درخواست‌های مکرر اعضای شورای شهر تاکنون گزارش شفافی درباره هزینه‌های این پروژه و نحوه تأمین آن ارائه نکرده‌اید و تائیا بنا بر گفته اعضای شورای شهر این پروژه به‌جای ۸۰۰ میلیارد تومان، هفت هزار میلیارد تومان (حدود ۹ برابر رقم برآورد اولیه) خرج روی دست شهروندان تهرانی گذاشته است، چرا در محاسبه میزان هزینه یک پروژه این‌قدر تفاوت وجود دارد؟ آیا اگر این مبلغ را صرف توسعه مترو می‌کردید، اکنون حمل‌ونقل عمومی تهران وضعیت قابل قبولی داشت؟

۳- آقای قالیباف ادعا می‌کنند که به «شفافیت در امور اعتقاد دارند»؛ بنابراین تقاضا دارم اعلام فرمایند در‌حال‌حاضر برپای بدهی شهرداری به بانک شهر و پیمانکاران و سایر طلبکاران شهرداری چقدر است و چرا با وجود درخواست اعضای شورای شهر حاضر نشده‌اند گزارش دقیقی دراین‌باره ارائه دهند.
براساس گفته برخی از اعضای شورا این بدهی‌ها از ۲۰ هزار میلیارد تومان تا ۶۰ هزار میلیارد تومان ذکر شده است؛ یعنی بیش از سه برابر بودجه سال ۹۶ شهرداری. اگر این رقم درست باشد، چنانچه اینجانب هریک از شهروندان تهرانی را تاکنون ۷۰۵ میلیون تومان به‌هکار کرده‌اید و اگر این رقم درست نیست، رسماً بفرمایید این بدهی‌ها چقدر است و شهروندان تهرانی پس از رفتن شما از شهرداری باید تا چه زمانی تاوان سسوم‌مدیریت‌های جناب‌عالی را بدهند و بدهی‌های باقی‌مانده را پرداخت کنند؟

شرق: «آستان قدس رضوی مالک اراضی حاشیه شهر است، اما برای حاشیه‌نشین‌ها سند صادر نمی‌کند». این سخن محمدسعید ایزدی، معاون وزیر راه و شهرسازی است که درباره مردم مشهد گفته است. خبر تکان‌دهنده او این است که یک سوم مردم مشهد حاشیه‌نشین هستند.

آستان قدس کجاست؟

آستان‌قدس‌رضوی سازمانی است در شهر مشهد که زیر نظر متولی حرم و موقوفات علی‌بن‌موسی‌الرضا(ع) اداره می‌شود. آستان‌قدس در لغت به معنی بارگاه پاک و مطهر امام رضا(ع) است؛ ولی در اصطلاح عامیانه میان مردم به مجموعه حرم مطهر، دستگاه‌ها، نهاده‌ا، اداره‌های فرهنگی، صنعتی، کشاورزی، درمانی و… گفته می‌شود که مشتمل بر موقوفات تاریخی علی‌بن‌موسی‌الرضاست. آستان قدس اگر ثروتمندترین مجموعه اقتصادی ایران نباشد، به گفته مسئولان آن بزرگ‌ترین نهاد موقوفاتی جهان اسلام است. اداره همه نذورات و موقوفات امام هشتم شیعیان بر عهده آستان قدس است. سازمان اقتصادی آن آستان مدیریت حدود ۹۰ شرکت و مؤسسه را برعهده دارد که شامل حوزه‌های عمران و ساختمان، مالی و تجاری، کشاورزی و دامپروری، صنایع غذایی و دارویی، صنعت و معدن، خوروسازی، انرژی و فناوری اطلاعات می‌شود.

کوتاهی در صدور سند مالکیت به حاشیه‌نشین‌ها
حالا ایزدی، معاون وزیر راه و شهرسازی گفته که برخی از دوستان در مناظره‌ها اعلام می‌کنند یکی از راهکارهای رفع مشکلات حاشیه‌نشینی اعطای مالکیت اراضی به این ساکنان است، اما خودشان در اجراء این راه‌کار کوتاهی کرده‌اند. او درباره اعطای سند مالکیت اراضی به حاشیه‌نشین‌های شهر مشهد از سوی آستان قدس رضوی گفته است: در قالب مصوبه هیئت وزیران در چارچوب ماده ۹ قانون احیا، دستورالعملی تهیه کردیم که براساس آن قرار بر این بود که سند این اراضی برای ساکنان این منطقه در چارچوب دستورالعمل مصوب صادر شود؛ البته به شرط توان نوسازی، اما متأسفانه این اتفاق نیفتاد و برای اجرای آن با دولت همکاری نکردند. مدیرعامل شرکت عمران و بهسازی شهری تأکید کرد: در آن بخش از اراضی که متعلق به دولت و وزارت راه‌وشهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) بوده فرایند اعطای مالکیت شروع شده، اما در سایر بخش‌ها هنوز اتفاقی رخ نداده است. مدلی که دولت برای اعطای زمین به حاشیه‌نشین‌ها در

اقتصاد

معاون وزیر راه و شهرسازی از بحران بدمسکنی در مشهد خبر می‌دهد

کوتاهی در صدور سند مالکیت حاشیه‌نشین‌ها



تهران

مشهد

فرایند تصرف این اراضی در ابتدا غیرقانونی بوده، اما ساکنان این مناطق حقوقی دارند که تلاش می‌کنیم در چارچوب قوانین به حقوق خود برسند.

برخورد چکشی شهرداری‌ها

ایزدی افزود: نقش دولت شناسایی مناطق حاشیه‌نشین و تهیه طرح برای ارتقای کیفیت زندگی آنها و هماهنگی بین دستگاه‌های مختلف برای تأمین زیرساخت‌ها است؛ اما متأسفانه شهرداری در این چارچوب عمل نکرده و باعث فشارهای اجتماعی هم شده است و قطعاً مداخله چکشی شهرداری‌ها باعث اعتراضات اجتماعی می‌شود.

آمارهای نگران‌کننده حاشیه‌نشینی

به گفته معاون وزیر راه حاشیه‌نشینی درحال حاضر به وسعتی حدود ۶۱ هزار هکتار در ۱۱۰ شهر رسیده است؛ تحقیقات وزارت بهداشت و وزارت راه و شهرسازی نشان می‌دهد که در ۱۱۰ شهری که این محدوده‌ها شناسایی شده‌اند، جمعیتی بالغ بر ۱۱ میلیون نفر زندگی می‌کنند و اینکه امروز بحث حاشیه‌نشینی مورد توجه نامزد‌ها قرار گرفته به دلیل جلب آرای اقشار کم‌درآمد است. او ادامه داد: برای مبارزه با پدیده حاشیه‌نشینی و رفع مسائل مربوط به این نمی‌توان با برنامه‌ریزی کوتاه‌مدت اقدامات مؤثر انجام داد. ساکنان این مناطق در مرحله نخست نیازمند توانمندسازی هستند و باید بحث عدم اشتغال آنها رفع و خدمات اولیه و زیرساخت این اقشار ارتقا پیدا کند. ازاین‌رو دولت یازدهم در قالب سندی که در سال ۱۳۹۳ به تصویب هیئت وزیران رسید، اساس رسیده است؛ این اقرار را بر همین روال

اجرائی کرد و معتقد هستیم مسائل و مشکلات این مناطق را با توانمندسازی حاشیه‌نشین‌ها می‌توان حل کرد. مدیرعامل شرکت عمران و بهسازی شهری افزود: محلات این محدوده‌ها را شناسایی کردیم و اولویت‌ها مشخص شدند. برنامه ما برای محدوده‌های هدف این است که زیرساخت‌ها را توسعه دهیم و خدمات و اقداماتی برای آموزش شهروندان انجام شود و زمینه را برای اشتغال این افراد ایجاد کنند که یکی از اقدامات ما در این راستا ایجاد صندوق‌های اعطای خرده‌وام بوده است. او با تأکید بر اینکه دستگاه‌های مختلفی در اجرای این برنامه دخیل هستند، گفت: این دستگاه‌ها ازجمله شهرداری‌ها و بنیادهای مختلفی که وظیفه حمایت از این دهک‌ها را دارند، برای حل این معضل باید وزارت راه‌وشهرسازی را همراهی کنند که متأسفانه برخی از دستگاه‌ها در انجام وظایف خود کوتاهی می‌کنند.

وضعیت بحرانی مشهد در گسترش حاشیه‌نشینی
ایزدی با بیان اینکه متأسفانه این‌پدیده در برخی از شهرها مانند مشهد و شهرهای استان خراسان رضوی وضعیت بحرانی دارد، ادامه داد: یک‌سوم جمعیت مشهد حاشیه‌نشین هستند؛ یعنی یک‌میلیون و ۲۰۰ هزار نفر از مردم مشهد در حاشیه شهر و وضعیت بدمسکنی زندگی می‌کنند. مردم کلان‌شهر مذهبی کشورمان که مایه مباهات جهان اسلام است و در چنین بحرانی قرار دارند، در‌حالی‌که مدیریت شهری و دستگاه‌هایی مانند بنیادها و آستان باید برای رفع این مشکل اقدام کنند؛ اما متأسفانه یک سری اقدامات کوتاه‌مدت انجام دادند.

معاون وزیر راه‌وشهرسازی ادامه داد: توزیع غذای گرم در این مناطق می‌تواند مردم حاشیه‌نشین را برای یک شب دلگرم کند؛ اما تا زمانی که زیرساخت‌های این مناطق احداث نشود و زمینه آموزش برای توانمندسازی این اقشار فراهم نشود، نمی‌توانیم انتظار افزایش کیفیت زندگی در این مناطق را داشته باشیم.

مدیرعامل شرکت عمران و بهسازی شهری گفت: در استان‌های کردستان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان که با پدیده مشهد روبه‌رو هستند، با همیاری دستگاه‌ها توانسته‌ایم اقدامات مؤثری انجام دهیم. از آستان قدس رضوی هم توقع داریم به‌عنوان یک بنیاد مذهبی، بنیادی که یکی از رسالت‌های آن حمایت از اقشار ضعیف جامعه است، وارد عرصه شود، جدا از اینکه مالکیت بخش دخور توجهی برای استان است.

محلی‌ها. خود اهل محل؛ عادت کرده‌اند که میزبانی به خوبی کنند و خوش ندارند که اعتراض و تحرشان از حدی پیش‌تر رود. چرا پس اینها را مهربان نگاه نمی‌کنند. چرا سر هر پیچ یک ماشین به ما اضافه می‌شد؟ چرا سربازان پلیس نگران بودند؟ چرا حلقه درست کردند؟ مسیر ساختن و کاروان راه افتاد. گفته بود با یک ون برویم اما نشد. از ملاشیه به جاده افتاد. به سمت غرب کارون. اینجا از ۹۰ هزار بشکه در روز به ۳۰۰ هزار رسیده است. در این دولت. روحانی گفت: در مناظره سوم گفت. اینجا قلب غرب کارون است. سوسنگرد و هویزه. صدای امام‌جمعه بلند است. پر از حرف‌های پر از خشم. «آقای زنگنه سهم سوسنگرد، سهم هویزه از نفت چقدر است؟ این نفت را شما می‌برید و هیچ به این شهر نمی‌دهید…». آقای زنگنه اینجا خط مقدم مبارزه با وهابیت است» اینها را امام‌جمعه می‌گوید. امام‌جمعه سوسنگرد، در حضور وزیر. با صدایی بلندتر از توان بلندگو. صدای جیغ بلندگو در سالن پیچید و حرف همان جا ایستاد تا نفسی تازه گرفت. حرف داغ بود. درشت نبود. اما از جنس درد بود. نفت چرا می‌رود و برکت چرا نمی‌آید؟ می‌گفت کارآموزی راه انداختید تشکر، ولی این کارآموز کار هم می‌خواهد. ۲۵۰ نیروی فنی به هزینه و هدایت شرکت نفت تربیت شدند. زنگنه می‌گفت ایشان دیگر بی‌کار نمی‌مانند. می‌گفت ما درخت گردو می‌کاریم. صبر می‌خواهد اما راه همین است. نفت آمده است که برای همیشه اینجا باشد. از هور می‌گفت. از هورالطیغم که مثل خلیج‌فارس برایش مهم است. اما امام‌جمعه از حضورش در باشگاه نفتی‌ها در تهران حرف نمی‌آید؟ از اینکه دیده چه امکاناتی دارند و در خود سرزمین نفت؛ یعنی. اینجا خط اول مبارزه با وهابیت است. یا شیخ این حرف را بشکاف. کسی در گوشم گفت شیوخ عرب جنوب خلیج‌فارس برای عقاید خودشان اینجاها پول خرج می‌کنند. لعنت به پول. لعنت به فقر و لعنت به درد. اینجا نفت زیر پای مردم است و کنار مردم نه. غرب کارون یعنی سه شهر؛ بستان و هویزه و سوسنگرد. فرماندار داد؛ «آقای زنگنه شما اولین وزیر نفتی هستید که اینجا می‌آید». خاطره گفتند و معلوم شد که زنگنه در شکست‌ها محاصره سوسنگرد به وقت جنگ، اینجا جنگیده…

صدای تیربین و گزارش کار و این چیزها سالان را گرفته. هوا هم خنک و کولری. بیرون گرم و تفت. تابستان با شانه‌های پهن شروع کرده. ۴۲ درجه. علی زبازی ۵۵ ساله بیرون از سالن منتظر کسی است. گفتیم کی؟ گفت شاید وزیر.

باین همه خدَم وحشم چطور؟

گفت شاید مجالی شد.

بهش گفتیم: «بگو من شاید برسوسنم». گفت بگو وقت جنگ سوسنگرد جنگید. همه بودند. آمدند. تنها نبود. اما برای شما تمام شد. برای ما تازه شروع شد. با غبار می‌جنگیم. با ریزگرد، با بی‌آبی، با خشک‌شدن هور، با بی‌کاری، با دست خالی، با خس خس سینه، با ریه‌های آبیسه… و تنهاییم. شما همه رفتید. برای شما تمام شد، برای ما هر ساعت و هر روز است. گفت بگو «جنگ تمام نشده، پشت سرتان را نگاه کنید. برگردید».

باشد. وزیر راه‌وشهرسازی خطاب به شهردار تهران گفت: آقای قالیباف! شما چطور می‌توانید از حقوق شهروندان دفاع کنید. اولین اقدام شما باید و حیثیت آنها باشد.

گزارش روز

آخوندی در واکنش به ادعاهای ۲ نامزد:

با وعده مسکن مشکل مردم را حل می‌کنید یا رفقایان را؟

● **شرق:** وزیر راه‌وشهرسازی با استناد به خلاف‌واقع‌گویی‌های رایج در انتخابات، از همراهی برخی کاندیداهای ریاست‌جمهوری با مفسدان اقتصادی در دولت قبل خبر می‌دهد. به گفته عباس آخوندی: «آنها که بایک زنجانی را آوردند، امروز مدعی مبارزه با فسادند». وزیر راه‌وشهرسازی در سخنانی با تأکید بر اعتماد به آگاهی و شعور مردم در انتخاب فرد اصلح برای ریاست‌جمهوری کشور، گفت: می‌دانم کار سختی برای تصمیم‌گیری و انتخاب کاندیدای مدنظر در پیش داریم؛ اما من به آگاهی و شعور ملت ایران، اعتماد دارم. ازاین‌رو این انتخابات را صحنه نبرد آگاهی و گمراهی نام‌گذاری می‌کنم. وی افزود: عده‌ای آشکارا و با صراحت علاقه‌مند هستند که مردم را گمراه کنند و با وجود کارنامه نامناسب دولت قبل، می‌خواهند بر طبل باطل بکوبند؛ اما شما ملت می‌توانید پرچم مبارزه با فشار را در دست بگیرید. عضو کابینه دولت یازدهم خطاب به یک کاندیدای ریاست‌جمهوری تصریح کرد: شما در جریانات دودم قبل، همراه آنها بودید؛ زیرا تمام مدیران دولت دهم در ستاد انتخاباتی شما، حضور دارند؛ همان‌هایی که نفت کشور را سوار کشتی کرده و به صورت آزاد در دریا می‌فروختند. شما چطور می‌توانید ادعا کنید که نفت صیانتی بفروشید؟ مگر بایک زنجانی و امثال وی از کجا ارتزاق می‌کردند؟ آخوندی در ادامه بیان کرد: چگونه می‌توانید از مبارزه با فساد صحبت کنید؛ درحالی‌که متحدان شما در دولت قبل، زمینی را که در شهرک غرب فقط مجوز ساخت سه طبقه داشت، با مجوزی که در دولت قبل صادر شد، ۳۵ طبقه ساختند. با این وضعیت، آن وقت، شما دم از مبارزه با فساد می‌زنید. آیا می‌توان این‌طور به شعور مردم ایران توهین کرد؟ وزیر راه‌وشهرسازی تصریح کرد: کسی که تمام دوره احمدی‌نژاد، وی را همراهی می‌کرده، می‌خواهد طرفدار مستضعفان باشد، آیا می‌خواهد با طرفداری از مستضعفان، پول آن قشر مظلوم را به امثال امیرمختصرو آریاها واگذار کند؟ وی افزود: سه میلیارد دلار امروز دولتی در دولت قبل به اجنبی‌ها داده شد، آیا فکر کرده‌اید با قیافه حق به‌جانب، مردم صحبت‌های شما را باور می‌کنند؟ وی با بیان اینکه، این نوع انتخابات را باید در تاریخ به یاد داشت، گفت: برخی پوستین وارونه می‌پوشند و فکر می‌کنند می‌توانند از ناآگاهی مردم سوءاستفاده کنند. آخوندی ابراز کرد: معادل صد میلیارد دلار تجربه تها تهاز در دولت قبل به خصولتی‌ها داده شد. بعد می‌گویند که می‌خواهند خصوصی‌سازی کنند؛ اما الان آقایان جرئت می‌کنند از خصوصی‌سازی و تولید ملی صحبت کنند. آیا مردم ایران که افرادی تحصیل‌کرده و دارای دسترسی به شبکه‌های اینترنتی هستند، فکر کردید متوجه نمی‌شوند که شما پوستین وارونه به تن کرده‌اید؟ یادتان هست شما گدایی می‌کردید که از دولت یک بشکه نفت بخرند. آخوندی یادآور شد: بیش از دو هزار پروانه خلاف در منطقه یک تهران صادر شده است؛ بعد می‌گویند که می‌خواهند با چهارصد‌ری‌ده مبارزه کنند. این منطقه که باغستان تهران بود، هم‌اکنون از آن چه باقی مانده است؟ وی تصریح کرد: نتیجه کار شرفروشی ایجاد دومیلیون و ۵۸۷ هزار خانه خالی در ایران است که صحت آن را می‌توان در سایت مرکز آمار ایران و گزارش بهمین سال ۹۵، جست‌وجو کرد. وزیر راه‌وشهرسازی بیان کرد: مردم خانه ندارند، ادعای خالی‌ها را برای سوداگری‌ها ساخته‌اند و بعد اتمام می‌کنند که می‌خواهند مسئله مسکن را حل کنند. آیا می‌خواهید مشکل مردم را حل کنید یا مشکل رفقایان را؟ آخوندی با اشاره به سرمایه‌های بر زمین‌مانند از خانه‌های خالی در کشور، تصریح کرد: سرمایه‌ای بالغ بر ۲۵۰ میلیارد دلار در قبایل خانه‌های خالی کشور، بی‌استفاده مانده است، آیا شما می‌توانید در کشور شریک اقتصادی ایجاد کنید؟ وی با بیان اینکه آقایان دومیلیون و ۱۰۰ هزار خانه دوم در ایران تولید کرده‌اند، گفت: مجموع خانه‌های خالی و دوم که در دولت قبل بنا شد، به حدود چهارمیلیون و ۷۰۰ هزار خانه می‌رسد که می‌توان آنها را در شهرهایی مانند شهرهای شمالی کشور، اطراف شهرهای بزرگ و جزیره‌های مناهده کرد. این عضو کابینه دولت یازدهم در ادامه گفت: سیاست‌های آنها منجر به ایجاد زندگی ۱۹ میلیون نفر در شرایط بدمسکنی شده است؛ درحالی‌که چهارمیلیون و ۷۰۰ هزار خانه خالی و دوم در کشور ایجاد شد. آیا این سیاست تداوم دارد؟ وی خطاب به محمدباقر قالیباف، شهردار تهران و نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری بیان کرد: شما ۱۲ سال شهردار تهران هستید و فقط سالی هشت کیلومتر مترو ساخته‌اید. آیا محیط زیست و حمل‌ونقل عمومی برای شما مهم بوده است؟ وی افزود: همه شاهدیم که در صداوسیما حقوق ملت زیر پا می‌خواهند؛ و کسانی که در هیچ دادگاهی محکوم نشده‌اند، به آنها اتهام زده می‌شود. آقای رئیسی اگر شما رئیس‌جمهور شوید، باید بر اصل ۱۲۱ قانون قسم یاد کنید که از حقوق و حرمت شهروندان دفاع خواهید کرد. براساس گزارش وزارت راه‌وشهرسازی، وی گفت: در جلسه بدین منظره هیئت یک شهروند زیر پا گذاشته شد، قبل از آنکه در هیچ دادگاهی محکوم نشده‌اند.

بگو «جنگ تمام نشده، پشت سرتان را نگاه کنید. برگردید».

مهدی افشارنیک: من نشسته بودم روی زمین. کیف اتاق. خانه شیخ ناصر.

مرد عرب بالای سرم، رشید بود و در نظر من رشیدتر. بغض کرده بود که نه بغض، خشم فروخته بود و با تمام جانش از سیل و هجومش به بیرون مراقبت می‌کرد «آقای وزیر، آقای زنگنه اینجا این قدر آلوده است و ریزگرد و درشت‌گرد و هزار گرد تاجور دیگر دارد که نوزادهای ما که متولد می‌شوند، در ریه‌شان از همان روز اول سوراخ‌های ریز است. آقای وزیر میدانی این یعنی چه؟ من پدر، همیشه باید شرمندۀ بچه‌ام باشم که نمی‌تونم از اینجا به جای دیگه بروم».

اینجا ملاشیه است. روستایی در جنوب غربی اهواز. اول غرب کارون. سیداکبر می‌گوید: «همه فاضلاب اهواز مال ماست» گواه حرفش زیر دماغم است. بوی ناطبوج هو. راست می‌گوید. بوی فاضلاب در هوا موج می‌زند، حتی اگر ساعت ۷:۳۰ باشد و روستا هنوز در کنش‌وقوس اول صبح.

از لایِ هتل سفارش کرد که همراهان کم باشند. استاندار هم ملاظه داشت. ملاظمت موج می‌زند. اسم ملاشیه، که می‌آید گلسی می‌لحظه و مخاطره وسط می‌آید؛ اما غزم بر رفتن است. سفارش می‌کند فقط یک ون. قصدش بازدید از ملاشیه و بازدید از طرح کارآموزی صنعتی است که نفت برای سوسنگرد زده است. تربیت نیروی ماهر و فنی برای فردای نفت. کاشتین درخت کردو. همراهان قبول؛ ولی کار خود را می‌کنند. زنگنه که در ون نشست و ماشین به سمت روستا سُر خورد، دو ماشین به پشت‌سر اضافه شدند. در هر پیچ و گذر دیگر هر نهادهی که نگارن حرف وزیر نفت و استاندار و به ملاشیه بود یک ماشین به کاروان اضافه می‌کرد. یک آن دیدم چند ماشین جلو و چند تا عقب. نشد آنچه می‌خواست و می‌گفت. باز کاروان شد. باز دم و دستگاه. محافظ وزیر به من گفت چاره‌ای نیست. محله حساس است. منطقه حساس است. سیداکبر موسوی از همین مخاطره‌ها برآشفته است. در صدای این مرد هم بغض است. مرد عرب و بغض؛ چه ترکیب عجیبی. ایشان اهل شکست نیستند. اهل کم‌آوردن نیستند. چه بر ملاشیه رفته؟ اینجا اول جاده غرب کارون است. بوی نفت از بین بوی فاضلاب به سبختی به مشام می‌رسد. مشعل‌ها و فلرها شب‌ها ملاشیه را روشن می‌کنند و خط دودشان با حسرت دنبال می‌شود. نفت بی‌برکت بوده، یا به سفره اینجا نکشوده و آب و نان و کار، مسئله مردان است. آقای وزیر. آقای استاندار. آقای رئیس‌جمهور. به کی باید اعتراض کنند. گیر معیشت هستند و امنیتی نگاهشان می‌کنند. چه ساعت است و بی‌معنی. سیداکبر از همین چیزها به شدت ناراحت است. مرد بغض دارد. مرد عزت دارد. مرد خانواده دارد؛ ولی می‌گوید: «آینده ندارند. بچه‌هایم ندارند».

اینجا امید چرا مرده است؟ با این بوی بد در هوا که نفت هم بویش را نمی‌تواند رد کند و به مشام مردم برساند، امید کجا می‌ماند؟ سیداکبر می‌گوید: «آقای وزیر هنوز وزیر ضربه موشک صدام جلوی خاندام هست. ترمیم نکردم. هنوز جنگ اینجا قربانی می‌گیرد. ما وقت جنگ رفیقیم جنگیدیم؛ اما به وقت صلح کسی سراغ ما نیامد. آقای وزیر این مشعل‌ها و نفتی شما شب‌ها اینجا را روشن می‌کند؛ اما ما فقط نگاه می‌کنیم و حسرت اینکه بچه‌های ما آنجا (شرکت نفت) کار کنند».

مصمم بود به رفتن. توی ون از این می‌گفت که «باید برای ملاشیه هم یک مرکز آموزش فنی و حرفه‌ای بزنیم تا جوشکار خوب، برقکار خوب تربیت کند. من برای غرب کارون از این نیروها می‌خواهم. در سوسنگرد راه انداختیم اینجا هم راه می‌اندازیم».